موعظه ۲۰۲۴.۰۱.۲۸
رساله دوم قرنتیان فصل ۴ آیات ۶-۱۰

خواهر و برادران عزیز ،

چه چیزی برای شما زیباترین جنبه‌ی کریسمس است؟

به عنوان یک کودک، شب مقدس را به عنوان یک روز مرموز تجربه می‌کردم: از صبح زود درب اتاق نشیمن قفل شده بود و یک کلوچه به دستگیره درب آویزان بود - به عنوان برکت خداوند از آسمان . گاهی اوقات پشت درب صدای خش خش میومد و بزرگترها می‌گفتند: در آنجا داخل، فرشته مسیح در حال کار است.

و در شب، زمانی که در نهایت درب باز می‌شد، درخت کریسمس آراسته در پنجره با شکوه به چشم می‌خورد - شمع‌ها در اطرافش در پنجره‌های تاریک تابانده می‌شدند و من کاملاً تحت تأثیر نور و درخشش این درخت بودم. این شکوه درخت کریسمس برای مغز کوچک من همانند حضور فرشته مسیح بود. نور درخشان، درخت : بله، این برای من زیباترین جنبه کریسمس بود.

زمان کریسمس به پایان می‌رسد. با پایان یکشنبه ، آخرین درخت‌های کریسمس جمع‌آوری و دورریخته می‌شدند. اما نور هنوز در زندگی روشن است.

همچنین در انجیل امروز، از نور درخشان شنیده‌ایم: در یک کوه، شاگردان عیسی او را با بدن جلال یافته و نورانی می‌بینند و می‌فهمند: این پسر خداست.
پطرس می گوید: "اینجا خوب هست و بیایید خیمه بزنیم."

آنها مثل موسی، که خدا را در آتش دید ، تحت تأثیر نور خدا قرار گرفته اند . این یکی‌از عجایب، نور هست که شاگردان دیدند.

در زندگی من هم لحظاتی وجود دارد که به طور کامل واضح می‌بینم. به مدت یک لحظه، زندگی من مثل نور روشن به نظر می‌رسد.

اما در چنین تجربه‌ای هیچ کس نمی‌تواند در آنجا بماند. هر کس باید به روزمره بازگردد، اغلب به درد. اما همه نور را با خود می‌برند که ایشان را امید دهد که به ادامه زندگی در نور خدا ادامه دهند.

خدا که خودش را "من هستم که هستم" می‌نامد، در میان رنج و مشکلات حاضر است. نور او در تاریکی می‌درخشد. این اطمینان، حتی به پولوس رسول ، هر روز انرژی جدید می‌دهد.

از کلام خدا دوم قرنتیان فصل ۴ آیات ۶-۱۰ قرائت می کنیم که خداوند اینطور می گوید :

"زیرا همان خدا که گفت: «نور از میان تاریکی بتابد،» نور خود را در دلهای ما تابانید تا شناخت جلال خدا در چهرهٔ مسیح، ما را منوّر سازد. امّا این گنجینه را در ظروفی خاکی داریم، تا آشکار باشد که این قدرت خارق‌العاده از خداست نه از ما. ما از هر سو در فشاریم، امّا خُرد نشده‌ایم؛ متحیّریم، امّا نومید نیستیم؛ آزار می‌بینیم، امّا وانهاده نشده‌ایم؛ بر زمین افکنده شده‌ایم، امّا از پا درنیامده‌ایم. همواره مرگ عیسی را در بدن خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی نیز در بدن ما ظاهر شود.„
۲قرنتیان 4:6-10

ای پدر آسمانی ، سخنان و شنیدن ما را از طریق روح‌القدس خود برکت ده. آمین.

در آغاز، که خدا آسمان و زمین را آفریده بود، تاریک بود. و خدا نور را آفرید. نور به عنوان پایه‌ای برای آفرینش‌های بعدی خدا، برای همه زندگی، برای ما انسان‌ها.

پولوس از ابتدای رساله خود با تفکرات خود در مورد معنایی که عیسی ناصری برای مردمان کلیسای کُرینتی دارد، شروع می‌کند. این برای ما نیز می‌تواند معنی داشته باشد. معنای انسانیه عیسی، همانطور که امروز پیش روی من است. با دوستانش راه می روم ، به کوه می‌روم. چیزی کاملاً معمول و روزمره: چهار مرد به سوی یک کوه می‌روند.

اما بعد از آن نوری فراتر از خورشید، از چهرهٔ عیسی، درخشان می‌شود. موسی و الیا، دو پیشوای بزرگ، ناگهان حاضر می‌شوند و با عیسی حرف می‌زنند. یک گفتگوی رویایی، تقریباً خانوادگی، در آن نور فراتر از خود عیسی ناصری ! و همچون یک آسمان‌پرستار،
جلال خدا درخشیده است!

پولوس این آگاهی را با آغاز خلقت، نخستین نور در نخستین روز خلقت مقایسه می‌کند. زندگی در همان لحظه شروع می‌شود که من از طریق عیسی ناصری، خدای اسرائیل را شناخته‌ام. آنجا در من روشن می‌شود. به قدری روشن که حتی مردم اطراف من هم می‌توانند ببینند.

در حسدیسم یهودی (یهودیت عرفانی) یک داستان جذاب وجود دارد در مورد نوری که از یک رابی (استاد) منتشر می‌شود: "دربارهٔ رابی یعقوب ایسحاق پیشوای لوبلین دیده شده است که یک نور روشن در یک اتاق او را به آسمان بالا می‌برد. وقتی لوبین وارد شد تا علت این امر را بررسی کند، با یک دایره نورانی روبه رو شد که بعدها عرفای یهود این داستان را از رابی شان به یکدیگر می‌گفتند..."

این تصویر ساده نشان می‌دهد چگونه نور می‌پراکند، هنگامی که مردم از ربّای خود، از الگوها و راهنمایان خود حرف می‌زنند.

الگو، راهنما:
این می‌تواند برای ما مسیحیان رابی ما، عیسی باشد. خود او می‌گوید: "من نور جهان هستم. کسی که پیروی من کند، دیگر در تاریکی پراکنده نمی‌شود، بلکه نور حیات خواهد داشت." من این را در انجیل یوحنا (8:12) می‌خوانم.

بله، پولوس تجربه کرده است که افرادی که با عیسی روبرو شده‌اند، پر از نور هستند. این نور شناخت خدا، جرقه الهی در ما هست ، زندگی الهی در میان ما.

این شعله کوچک درون من بسیار کوچک است، اغلب تهدید به خاموش شدن دارد. اما زیر خاکستر هم ادامه می‌دهد، یک کمی از جرقه که می‌تواند به یک شعله بزرگ تبدیل شود.

شاید تصویر از کودکی من اینقدر بد نباشد: مغز کوچک من درخت کریسمس را با نفس مسیح خود برابر می‌دانست. اگر فقط یک شمع از درخت بردارم و با خودم به زندگی عادیم بروم، زندگی من روشن‌تر خواهد شد. و افرادی که با آنها روبرو می‌شوم، شمع و نور من را هم می‌بینند. نور از طرف کودک مسیح - نور از عیسی - اینجا جلال خدا درخشان است، همانطور که پولوس می‌گوید.

این نور یک گنج ارزشمند است. در وسایل شکننده و خمیده است، به عبارت پولوس. او منظور دارد خودم - بدن شکننده‌ام را، گاهی ضعیف و آسیب‌پذیر، و زندگی خمیده و پر از نقاط و خطاها، داستان زندگی من با تمام اوج‌ها، اما همچنین گمراهی‌ها، سقوطها، شک و گناه. قدرت الهی تنها است که مرا به اینجا رسانده است.

پولوس احتمالاً تجربیات ناگواری را نیز داشته است. به ویژه در معرض خطرات تعقیب بوده است - که احتمالاً برای اکثر ما تجربه شخصی نیست. ولی برای بسیاری از کسانی که به سوی ما پناهنده شده‌اند، احتمالاً این سخنان را می شناسند.

آنچه پولوس اینجا فهرست کرده تسلی‌بخش برای من است: حتی اگر به هر نحوی تحت فشار قرار بگیرم - من از بین نخواهم رفت . ما گم شده‌ایم: پولوس، بزرگترین رسول پولوس گم شده است! چقدر تسلی‌بخش: من هم گم شده‌ام، به سادگی به سوالات گاهاً فوراً پاسخی ندارم. اما این دلیلی برای یأس نیست. هر اتفاقی که بیافتد - من دست روی دست نخواهم گذاشت، حتی اگر به زمین بخورم من نابود نخواهم شد.

این ادعاهای خطی‌اند، اما صادقانه: وقتی شروع به تفکر در مورد زندگی خود می‌کنم، در نهایت می‌بینم که واقعاً این تجربیات را داشته‌ام. این بخشی از تشخیص راه خدا با من است.

شاید امروز فرصتی باشد که یکبار دیگر یک شمع را روشن کنیم، به یاد جشن های گذشته. سپس به فکر زندگی افتاده، به مسیری که قبلاً طی شده، فکر کنیم. اینجا قطعاً بسیاری چیزها وجود دارد که نیمه فراموش شده‌اند و شاید هم با شگفتی متوجه شویم که چه مسیرهایی به‌طور کاملاً غیرمنتظره باز شده‌اند. چقدر معنا پیدا کرده‌اند وضعیت‌های به نظر بی‌معنا. و چقدر دلیل برای شکرگزاری واقعاً وجود دارد.

عیسی، نور جهان، نور ما، این نور را به دنیای تاریک برداشتن، فرستنده‌های نور شدن، ماموران نور شدن - این وظیفه واقعی جماعت است.

همانطور که پولوس به جماعت قرنتی می‌نویسد:

جلال خدا باید آشکار شود، که در عیسی مسیح به ما روشن شده است.

آمین.